

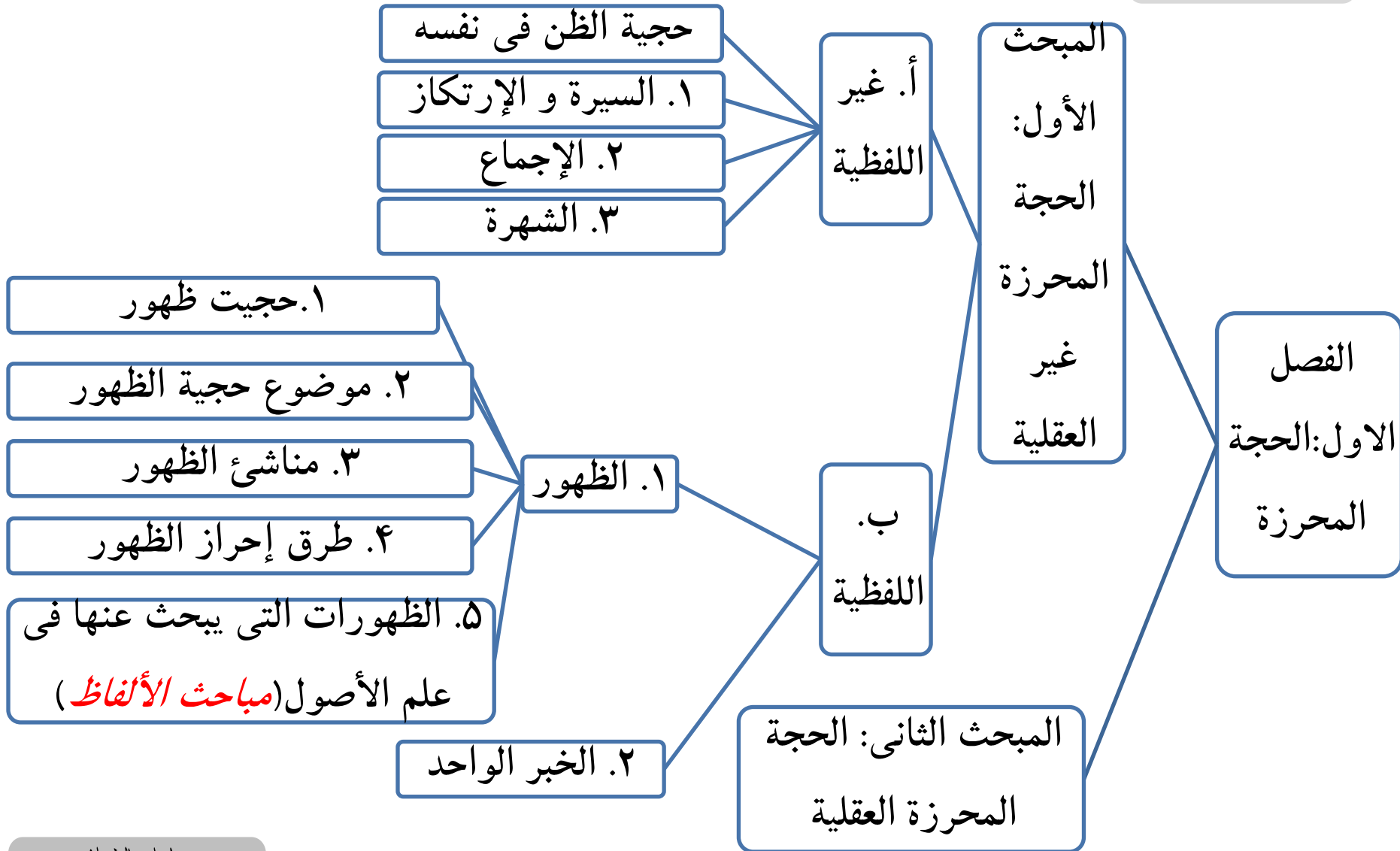
# علم أصول الفقه

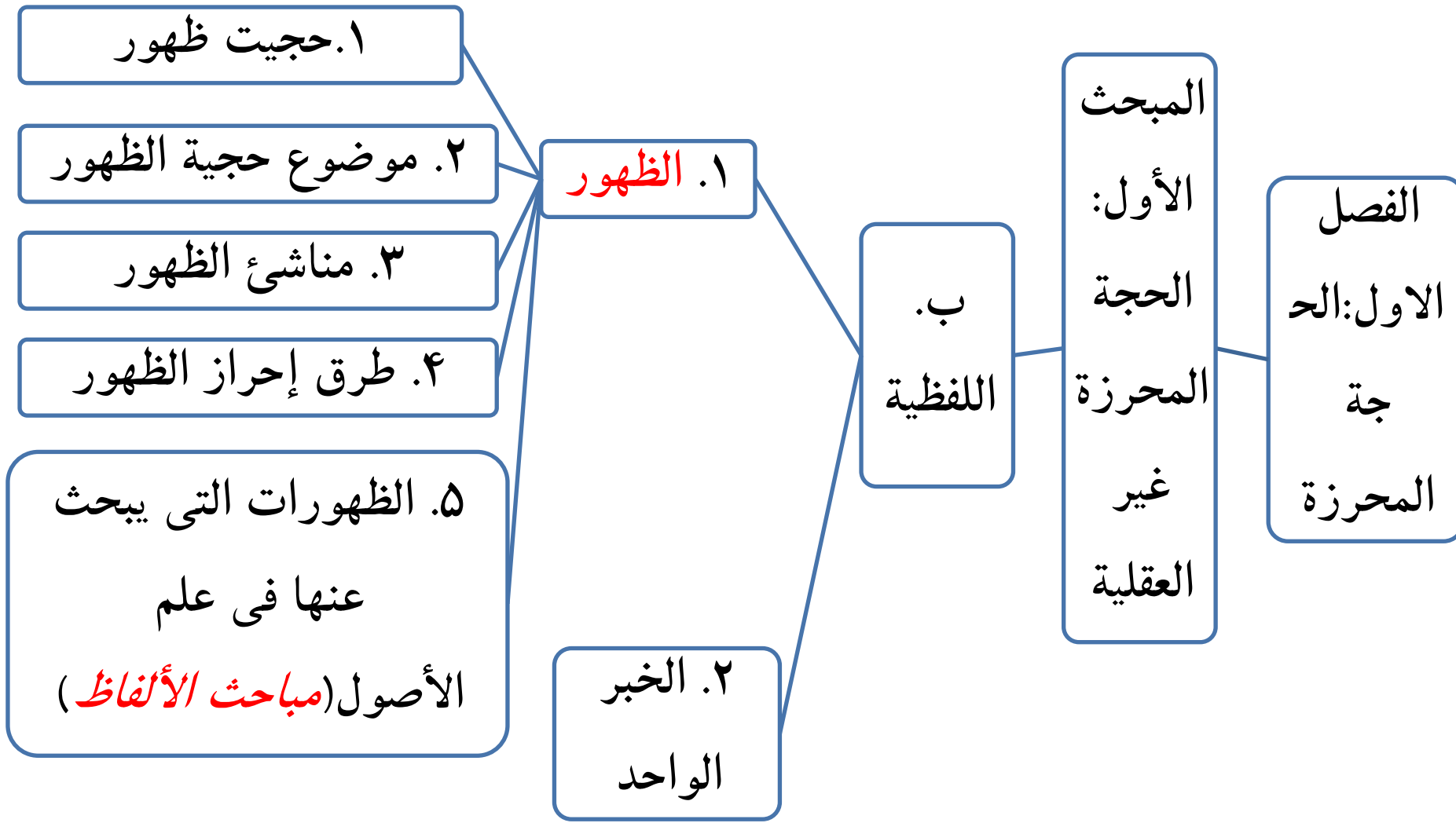
٣١

٩-١٠-٩٣ ظهور

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

- يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (٢٧)



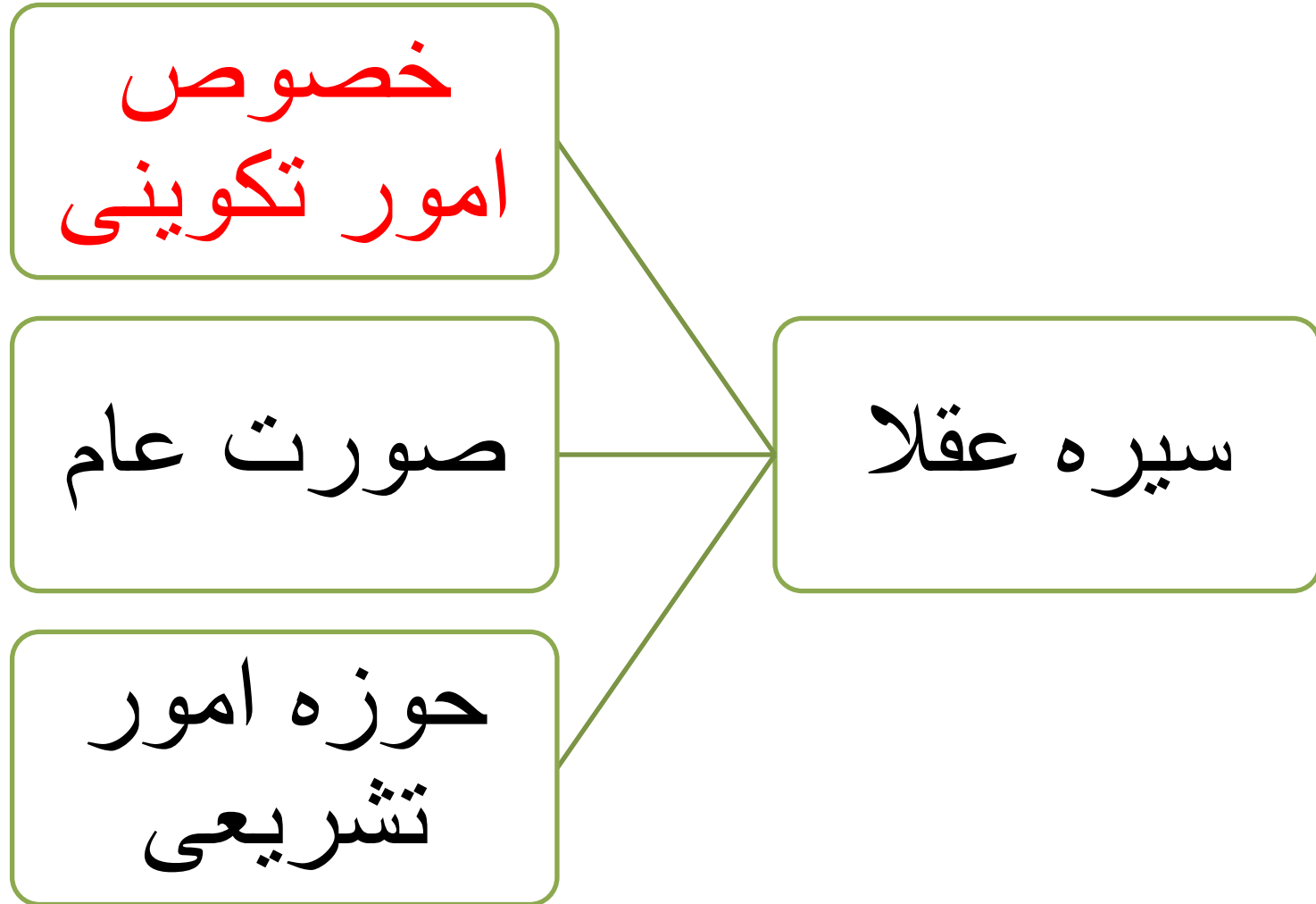


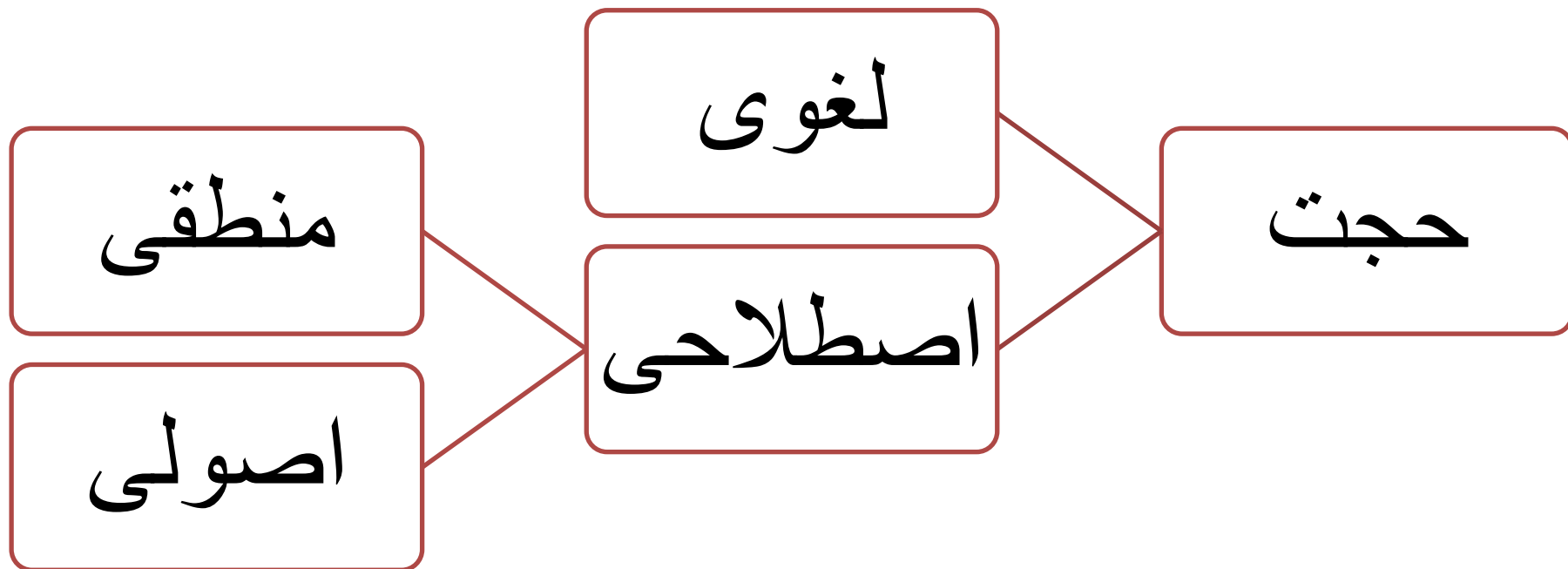
سیره منتشره

سیره عقلا

دلیل حجیت  
ظهور

# سیره عقلا در باب ظواهر





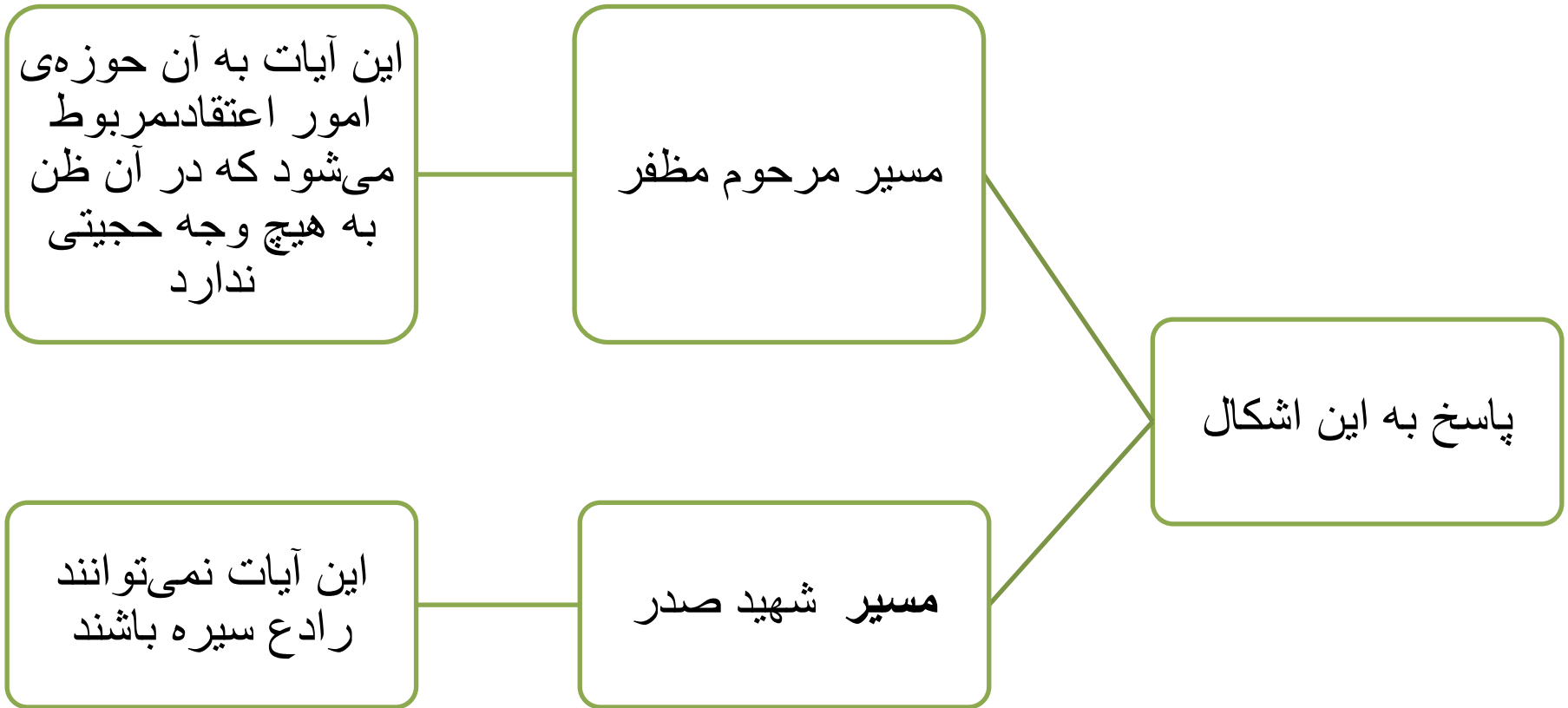
## ردع حجيت ظاهر

رادع حجيت ظاهر  
يا خير واحد

ان الظن لا يغنى  
من الحق شيئاً يا  
ان يتبعون الا  
الظن يا قل الله  
اذن لكم ام على  
الله تفترون



# ردع حجیت ظاهر



# ردع حجیت ظاهر

## نقد مسیر اول

آیات پیش گفته در موردی  
به کار رفته اند که يك امر  
اعتقادی مطرح بوده است.

ادعا:

# ردع حجیت ظاهر

مورد مخصوص  
وارد نیست

علت ظهور در  
اعم از معتل دارد

اشکال

## ردع حجیت ظاهر

تمسك به این نوع ادله  
برای نفی حجیت ظهور  
دور به همراه دارد

اشکال مرحوم آخوند

# ردع حجیت ظاهر

البته این بیان دور  
مصطلح نیست.

وجود يك شيء  
متوقف بر وجود  
خودش

دور مصطلح

ما يلزم من وجوده  
عدمه

دور در کلام آخوند

## ردع حجیت ظاهر

- اشکال
- وقتی شارع می خواهد بگوید ظهور حجت نیست، چاره‌ای ندارد جز اینکه با یک قول یا فعل دارای ظهور این را بیان کند.
- پس اگر ما بگوییم که تمسک به این ظهور محال است؛ چون فرض وجودش مستلزم عدمش است، معنایش این است که اصلاً شارع راهی برای ردع ندارد
-

## ردع حجیت ظاهر

- جواب این است که شارع می تواند ردع را اگر سند آن ظهور قطعی بود مثل آیه قرآنی یا روایت متواتر، در بخش سند مشکل ظن پیدا نمی شود. در ناحیه دلالت، اگر می گوئیم کلام ظهور دارد، معنایش این نیست که اصولاً هیچ سخنی نداریم که نص باشد. اینکه ظهور حجت است یا نیست، ربطی به وجود نص ندارد. البته مقصود ما از نص در اینجا در مقابل ظهور است.

## ردع حجیت ظاهر

- ظهور همان مدلول احتمالی قوی است که احتمالات خلافش ضعیف است و نص مدلولی است که یقینی است و احتمال خلاف در آن نیست. در هر کلامی همیشه بخشی از مدلول کلام نص است. و معمولاً آن نص که در اصطلاح به آن قدر متقین می‌گوییم، محفوف به ظاهر است.



## ردع حجیت ظاهر

- بنابراین شارع می تواند ردع خود نسبت به ظنون را به صورت نص بیان کند. مثلاً در ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً، چون شارع ظن را به ظن خاصی مقید نکرده است، اطلاقش همه ظنون را در بر می گیرد. این تمسک به اطلاق در حقیقت تمسک به ظهور است. حال اگر شارع به صراحت بیان می کرد که هرگونه ظنی، چه در اصول اعتقادات، چه در فروع اعتقادات، چه در فروع عملی، از درجه اعتبار ساقط است، دیگر مشکل ظهور وجود نداشت و نص در این مطلب می شد. بنابراین شارع برای ردع صریح و یقینی راه دارد.

## ردع حجیت ظاهر

- این اشکالی است که در منطق جدید زیاد به آن پرداخته شده است. مبنای پارادوکس راسل در منطق جدید همین بحث است که اگر یک گزاره‌ای مفاد خودش، خودش را نقض می‌کند، ارزش منطقی اش چقدر است؟

## ردع حجیت ظاهر

- مثل اینکه کسی بگوید که هر چه من می گویم دروغ است. اگر مفاد این جمله را بپذیریم، شامل خود همین قضیه هم می شود؛ یعنی خود همین که هر چه من می گویم دروغ است، هم دروغ است. و پس اگر حتی همین قضیه هم دروغ باشد، بعضی از این چیزهای که وی می گوید دروغ نیست. این نتیجه با مفاد اوایه قضیه پیش گفته تناقض دارد. این یک پارادوکس است و در بحث های منطقی جدید خیلی درباره این پارادوکس راسل بحث شده است.

## ردع حجیت ظاهر

- شهید صدر ره می فرمایند پذیرش این جواب آخوند ره مبتنی است بر پذیرش اینکه این آیه ناظر به ظهور خودش هم باشد؛ می خواهد بگوید که ظن حاصل از ظهور حتی همین ظهوری که الآن در این آیه هست، حجت نیست. اما اگر گفتیم این آیه ناظر به ظهور خودش نیست، در این صورت این اشکال وارد نخواهد بود.

## ردع حجیت ظاهر

- در پارادوکس راسل هم یکی از جواب هایی که داده می شود همین است که وقتی کسی می گوید همه سخنان من دروغ است، ناظر به خود این گزاره نیست. یعنی همه گزاره ها غیر از این گزاره کاذب است. بنابراین تناقضی ندارد.

## ردع حجیت ظاهر

- شهید صدر ره این جواب را در این بخش از بحوث اشاره نکره اند و جناب هاشمی شاهرودی این جواب را در پاورقی اشاره کرده اند؛ البته خود شهید صدر ره در بحث پارادوکس راسل می گویند این وجدانی است که این گزاره خودش را در بر نمی گیرد، اگر کسی بگوید وجدانی است، یعنی یقین دارد و یقین برای هر کس که مدعی یقین است، حجت است. اما اگر ما نگفتیم یقین داریم یا وجدانی است، جای سؤال هست که چرا این گزاره شامل خودش نشود. بنابراین اشکال آخوند ره به جای خودش باقی می ماند.

## ردع حجیت ظاهر

- شهید صدر ره یک احتمال دیگر هم ذکر می کنند که ممکن است کسی بیاید بگوید که ما حجیت ظهور این آیه را به سیره عقلایی اثبات می کنیم، بعد با استفاده از این ظهور حجت اثبات می کنیم که سایر ظهورات حجت نیستند.

## ردع حجیت ظاهر

- اینسخن ایشان عرفی نیست و فقط یک احتمال است. اینکه بگوییم سیره عقلا بر حجیت ظهور بود تا وقتی که این آیه نیامده بود. بنابراین خود این آیه مشمول حجیت بود. آن گاه ظهور این آیه که حجت شد دلالت کرد بر اینکه ظهورات حجت نیستند. این بیشتر مثل شعبده بازی است. زیرا از این بیان معلوم می شود که شارع اصلاً با هیچ ظن حاصل از ظهوری موافق نیست و اگر موافق نیست با همین ظن حاصل از ظهور آیه هم موافق نیست.



## ردع حجیت ظاهر

- در حقیقت اینکه قبل از نزول آیه ردعی به ما نرسیده بوده و گمان می کردیم آن سیره عقلائی بر اخذ به ظهور امضا شده است، اشتباه بود و در واقع با خود همین آیه آن سیره ردع شده بود. نیست. بنابراین این اشکال وارد است.

## ردع حجیت ظاهر

- ادعای دوم این افراد نیز جای تأمل دارد. در این ادعا گفته اند در حوزه اعتقادات اصلاً مجال ظن نیست..
- این حرف درست نیست. یک بخش از اعتقادات باید یقینی باشد؛ ولی بخشی از اعتقادات می تواند ظنی باشد با کمی تسامح می توان گفت که در اصول عقاید یقین لازم است؛ اما در فروع اعتقادی، یقین لازم نیست و ظن معتبر هم قابل پذیرش است، نه مطلق ظن؛ چون در گذشته گفتیم که ظن فی حد نفسه حجت نیست..

## ردع حجیت ظاهر

- به همین دلیل ما در بحث‌های اعتقادی نیز به ظواهر تمسک می‌کنیم. مطالبی که در قرآن درباره بهشت و جهنم وارد شده است، جزء فروع اعتقادی هستند. اصل اعتقاد به معاد جزء اصول است؛ اما کیفیت معاد جزء فروع نیست این همه روایت در مورد کیفیت برزخ و حوادث بعد از مرگ، سؤال قبر و فشار قبر داریم. همه اینها از ظواهر روایات برداشت می‌شود و امور یقینی نیستند. بر بیشتر آن‌ها برهانی نداریم که یقین آور باشد. در معاد جسمانی، مثل ابن سینا می‌گوید معاد جسمانی یک امر تعبدی است و حتی تردید دارد که اصل معاد را هم بتوان با عقل ثابت کرد. البته صدر المتألهین ره معتقد است بر اصل معاد می‌توانیم برهان اقامه کنیم، بلکه بر معاد جسمانی هم می‌توانیم برهان اقامه کنیم.

## ردع حجیت ظاهر

- بنابراین این طور نیست که در عقاید اصلاً امکان تمسک به ظنون نباشد. پس تفسیر صحیح این آیات می تواند این باشد که اینها از ظن تبعیت می کنند در حالی که ظن فی حد نفسه حجت نیست یا ظن در اصول عقاید حجت نیست. ظاهراً آن تفسیر اول مراد است.

## ردع حجیت ظاهر

- اصطلاحاً به اینها پارادوکس می گویند یعنی نوعی تناقض درونی و نوعی تنافی دارند

## ردع حجیت ظاهر

- مسیر دوم
- این راهی است که شهید صدر ره در مقابل این آیات می فرمایند و به تحلیل سیره و تحلیل فرایند ردع بر می گردد.
- جواب درست هم است.
- در این راه گفته شود این آیات نمی توانند رادع سیره باشند؛ یعنی هر چند به اطلاق یا عمومشان شامل سیره شوند، نمی توانند رادع آن باشند.

## ردع حجیت ظاهر

- به عبارت دیگر ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً مطلق است و هر ظنی را حتی ظن حاصل از خبر واحد و ظن حاصل از ظواهر را شامل می‌شود؛ اما نمی‌تواند رادع سیره عقلایی بر حجیت ظهور یا خبر واحد باشد؛
- زیرا همان‌طور که در بحث سیره گفتیم باید بین رادع و مردوع تناسب باشد. اگر مردوع امری است که در ذهن عقلایی رسوخ دارد، شارع نمی‌تواند با یک یا دو عبارت مطلق آن را ردع کند، بلکه به ادلة خاص و آن هم بسیار متعدد احتیاج دارد.

## سيره عقلا در باب ظواهر

انَّ هذه العمومات لا تصلح لذلك، بداهة انَّ مثل هذه السيرة لشدة ترسخها و استحكامها في أذهان العقلاء و المتشرعة حتى أنَّه لم يتزعزع شيء منها بعد ورود المطلقات المذكورة التي كانت على مرأى و مسمع من الناس لا يكفي في ردعها الاعتماد على مثل هذه المطلقات فان الردع لا بدَّ و أن يتناسب مع الردوع عنه، فمثلاً نحن نرى في باب الردع عن القياس ما أكثر و أشدَّ التصريحات الصادرة عنهم في مقام الردع عنه رغم أنَّه لا ترسخ له في أذهانهم و انَّ الحاجة الفقهية إليه و التعامل الفقهي معه أقلَّ بمراتب من الحاجة إلى الظهور و التعامل معه في الفقه فضلاً عن المجالات الأخرى.



## سیره عقلا در باب ظواهر

- چیزی را که شارع می خواهد ردع کند، گاهی مطلبی است که برای بعضی از عقلا در بعضی زمان ها اتفاق می افتد؛ یعنی مصداقش کم است؛ هر چند امر عقلانی و در ارتکاز همة عقلا است و گاهی برای همه عقلا در بسیاری از زمان های مصداق دارد. ردع هر یک از این امور عقلانی با دیگری متفاوت است؛ چون گستردگی و کمیت سیره در میزان و نوع ردع شارع تاثیر دارد؛ برای مثال ظهور چیزی است که تقریباً همه عقلا در بسیاری از اوقات زندگی شان با آن سر و کار دارند. به طور مداوم یا با کسی صحبت می کنند یا صدای کسی را می شنوند یا مطلبی را می خوانند. در حقیقت دائم در حال تمسک به ظواهر هستند. این با مسأله حیا زت که آن هم امر عقلانی است، تفاوت دارد. بنابراین کمیت این دو سیره با هم فرق دارد.
- همچنین کیفیت سیره ها هم فرق دارد؛ یعنی میزان وضوح یک سیره در ذهن عقلا، رسوخ آن در ارتکازات عقلا با همدیگر متفاوت است. گاهی چیزی در ذهن عقلا آن قدر ریشه دوانده است که به این راحتی از ریشه در نمی آید؛ مثل مسأله قیاس فقهی که همان تمثیل منطقی است. از نظر منطقی تمثیل مفید یقین نیست و ارزشش در حد ظن است؛ ولی همین تمثیل منطقی در ذهن عقلا ریشه دارد. اقتضاء ذهن عقلانی این است که حکم دو چیز مثل هم یکسان باشد. اگر یک سیب را نصف کنید و بگوئید این طرفش حلال است و آن طرفش حرام است، با ذهنیت عقلانی ناسازگار است. همین که شبیه هستند، باعث می شود که عقلا احکام یکی را به دیگری سرایت دهند. در بسیاری از استدلال های عقلا تمثیل وجود دارد.
- حال شارع نمی تواند چنین سیره ای را که از یک سو در ذهن عقلا ریشه دوانده است و از سوی دیگر مصداقش هم زیاد است، با یکبار یا دوبار گفتن ردع کند، بلکه باید مکرر و به اشکال مختلف این را مطرح کند؛ طوری که یک جریان بر علیه آن جریان عقلانی ایجاد شود که بتواند تا جایی که ممکن است این سیره را تغییر دهد. از ابتدا در فقه شیعه گفته شده است و جزء مسلمات فقیه شیعه است که قیاس حرام و باطل است. همچنان می بینیم فقها در استدلالات فقهی مبتلا به قیاس می شوند و این به سبب ریشه های عقلانی قیاس است. با اینکه فقیه می داند قیاس ممنوع و باطل است و سعی می کند تا جایی که می تواند و توجه دارد، از آن اجتناب کند، همچنان ممکن است ناخودآگاه به قیاس مبتلا شود. حجیت ظهور هم به لحاظ کمیت و کیفیت امر گسترده و رسوخ یافته ای است. اگر به عقلا بگوئید، ظهور حجت نیست، این حرف اصلاً برایشان معنا ندارد. اصولاً زندگی عقلا بر اساس ظهور سامان پیدا کرده است. اگر به ایشان بگوئید آن مقداری از سخن که یقینی است، می توانید اخذ کنید و اگر ظنی شد هر چند ظن قوی، قابل اخذ نیست، کل ساختار زندگی عقلانی به هم می خورد. شارع نمی تواند سیره ای را که، این همه در ذهن عقلا ریشه دارد و با چند عموم یا اطلاق ردع کند، بلکه باید اینجا به صورت خاص بگوید ظن حاصل از ظواهر حجت نیست. آن هم نه با یک ردع، بلکه باید مجموعه ای از ردع ها به صورت مکرر ذکر شود تا بتواند این جریان عقلانی تغییر دهد.
- بنابراین حتی اگر اشکالات گذشته را کنار بگذاریم و بپذیریم که این آیات فی حد نفسه مطلق هستند، همچنان نمی توانند رادع سیره در یک مورد خاص باشند. پس اگر می خواست ردع کند، باید به شکل دیگری ردع می کرد، حال به آن شکل ردع نکرده است، معلوم می شود که اصلاً ردع نکرده است؛ عدم ردع نشان می دهد که امضاء کرده است.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- بنابراین باید قدرت رادع به اندازه قدرت مردوع باشد؛ چنان که وقتی یک راه آب باز شده باشد و شما بگویید با دیواره یک میلیمتری جلوی آن را می‌گیریم، در جواب می‌گوییم نمی‌شود و این آب آن دیوار را خراب می‌کند و باید برای چنین آبی یک دیواره دیواره ده متری ساخته شود.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- اگر شارع می خواهد جلوی نفوذ این جریان را به حوزه شریعت بگیرد، باید یک دیواره قوی از ردع‌ها و نهی‌ها بسازد؛ همچنان که در موارد مشابه این کار را کرده است؛ مثلاً وقتی می خواست جلوی ربا را بگیرد، به این اکتفا نکرد که در یک مورد خاص و با یک لسان نرم بگوید لطفاً ربا نخورید، بلکه با آیات و روایات متعدد و لسان بسیار شدید ردع خود را ابراز کرده است. با این وجود بازار مسلمین در طول تاریخ مملو از ربا بوده است. این همه شارع گفته است فقط توانسته این ذهنیت را ایجاد کند که ربا باطل است؛ ولی همچنان در عمل معامله غیر ربوی امر غیر رایج نشده است. هنوز هم وقتی با متخصصان اقتصادی بحث می‌کنیم، ذهنیتشان هنگام بحث، یک ذهنیت ربوی است با اینکه متدین هم هستند.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- اگر کسی چیزی از مباحات اولیه را در اختیار بگیرد و در حقیقت سلطه تکوینی بر آن پیدا کند، مالکش خواهد بود؛ یعنی سلطه تشریحی بر آن دارد؛ چون ممکن است بعضی از آدم‌ها اصلاً در طول زندگی با چنین مسأله‌ای مواجه نشوند که یک امر مباحی را حیازت کنند؛ مثلاً هیچ وقت صید نکنند، هیچ وقت چوبی، گیاهی از بیابان جمع آوری نکنند؛ هیچ وقت سنگی را از بیابان برندارند.

## سیره عقلا در باب ظواهر

- هر چند است این دو چیز مثل به معنای فلسفی نباشند؛ یعنی از همه جهت یکسان نیستند.
- بحوث فی علم الأصول (تقریر السید محمود هاشمی الشاهرودی)، ج ۴، ص ۲۵۳.